



پویشگران آینده امیدبخش

گزارش سیاستی

آیا حرکت ایران به سمت سلاح هسته‌ای موجب بهبود امنیت ملی خواهد شد؟

نویسنده: محمد رضا جمالی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسه فلچر

شهریور ۱۴۰۵

www.paiab.org

پایاب دانشگاهی - میز سیاست خارجی ایران

دیدگاه‌ها و نظرات مطرح شده در مقالات این بخش، بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان آن‌هاست و لزوماً منعکس کننده مواضع موسسه پایاب نیست.

از آغاز جنگ ۱۲ روزه تا کنون، مباحث و جدال‌های متعددی در فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور صورت گرفته است که حرکت و دستیابی به سلاح هسته‌ای را یک لازمه و متضمن امنیت ملی کشور می‌شمارد. این یادداشت به بررسی این مساله می‌پردازد که با توجه به وضعیت امروز ایران، دستیابی به سلاح هسته‌ای چگونه موجب تقویت امنیت ملی می‌شود.

از پس از انقلاب هسته‌ای در سال ۱۹۴۵، ذات سلاح هسته‌ای موجب تحول در ادبیات امنیت بین‌الملل و مطالعات راهبردی گشت و موجب میلاد مفهومی تازه به نام بازدارندگی^۱ گردید. این مفهوم بیان می‌کند که «از آن جا که سلاح هسته‌ای ضربه‌ای عظیم و نابودکننده بر هدف وارد می‌سازد، اولویت دولت‌ها به جای پیروزی در نبردها، جلوگیری از ایجاد و یا تشدید درگیری خواهد بود» که این یک مجموعه باور تازه در سیاست بین‌الملل تلقی می‌شد. از این رو مفهوم «نابودی متقابل تضمین شده»^۲ پدید آمد که بیان می‌کند از آن جا که اگر میان دو قدرت هسته‌ای، تبادل شلیک هسته‌ای رخ دهد هر دو قطعا نابود خواهند شد، آن‌ها از تقابل شدید جلوگیری و تنش را مدیریت می‌کنند. نمونه‌های تاریخی این پرهیز از تشدید را در بحران موشکی و کوبا و سیاست کاهش تنش^۳ میان ایالات متحده و شوروی می‌توان مشاهده نمود.

با استناد به مفهوم بازدارندگی هسته‌ای حاصل از قابلیت سلاح هسته‌ای، حامیان این سیاست استدلال می‌کنند که نهایتا دستیابی به این ظرفیت موجب تضمین امنیت ملی در برابر تهدیدهای خارجی، به ویژه در برابر قدرت‌های بزرگ خواهد شد. این نوشته قصد دارد با به این بپردازد که دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای در این برهه زمانی چگونه بر امنیت ملی ایران تاثیر خواهد گذاشت.

مهم‌تر از دستیابی به سلاح، داشتن برنامه و استراتژی برای استفاده از آن است. رسیدن به این سلاح هدف و غایت نمی‌تواند باشد و نیست، بلکه گنجانیدن آن در سطح راهبردی مساله دارای اهمیت است. مساله اول در این تعداد کلاهک‌ها و موشک‌هاست. اگر این سلاح با هدف تقویت امنیت و بازدارندگی در برابر تهدیدات ایالات متحده و اسرائیل ساخته شود، با ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد غنی‌شده—که طبق ادعای آمریکایی‌ها ۱۰ الی ۱۱ سلاح هسته‌ای می‌تواند تولید کند—چگونه می‌توان در برابر هزاران کلاهک آمریکا و ده‌ها کلاهک اسرائیل موازنه برقرار کرد؟ جدای از این، تنها ابزار ایران برای شلیک کلاهک‌ها موشک‌های بالستیک خواهد بود. هنگامی که ابزار ایران در این رویارویی تک‌بعدی است، چگونه می‌توان در برابر قدرت‌هایی که علاوه بر موشک‌های قاره‌پیما، به زیردریایی و هواپیمای دارای قابلیت شلیک هسته‌ای مجهز هستند توازن ساخت؟

¹ Deterrence

² Mutually Assured Destruction

³ Detente

سوی این‌ها، بر اساس اعلام رسمی مقامات، برد موشک‌های ایرانی تا دو هزار کیلومتر است. حتی اگر نقل غیررسمی و تایید نشده چهار هزار کیلومتر صحیح باشد، باز هم قرار نیست در برابر ایالات متحده توازن تهدید ایجاد کند. در این حالت سوال این است که اگر ایالات متحده به ایران حمله هسته‌ای کرد، ایران چگونه می‌خواهد پاسخ دهد؟ پایگاه‌های آمریکا در منطقه را با سلاح هسته‌ای هدف قرار دهد؟

علاوه بر این‌ها، مهم‌تر از داشتن سلاح هسته‌ای، داشتن توان پاسخ به حمله هسته‌ای یا ضربه دوم^۴ می‌باشد. در ابتدا این توان مستلزم داشتن تنوع و پراکندگی مکان شلیک و همچنین پدافند مهارکننده و رهگیر سلاح هسته‌ای است.

به بیان دیگر، آن‌چه به عنوان بازدارندگی هسته‌ای شناخته می‌شود، صرف داشتن سلاح هسته‌ای نیست، بلکه «داشتن مجموعه‌ای از قابلیت‌ها» است که امکان می‌دهد یک دولت بتواند نابودی طرف مقابل را تضمین کند.

در زمینه سیاسی، طی سال‌های اخیر اسرائیل و دولت‌های غربی تلاش بسیاری در جهت امنیتی‌سازی ایران و در راس آن برنامه هسته‌ای انجام داده‌اند و نهایتاً موفق شدند پرونده ایران را به شورای امنیت برده و به یکی از موضوعات اصلی سیاست بین‌الملل مبدل سازند. با تلاش‌های ایران در وجوه مختلف، شدت این فشار سیاسی کاهش یافت که در قطعنامه ۲۲۳۱ و پس از آن مخالفت دو عضو دائم شورای امنیت با بازگشت قطعنامه‌های ضد ایرانی مشهود بوده است. دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، موجب تایید روایت ضد ایرانی و تصاعد فشار سیاسی بین‌المللی خواهد. ممکن است پنداشته شود فشار بیشتر از این هم ممکن است؟ بله ممکن است. برای مثال اگر ایران با نقض یا خروج از پیمان منع اشاعه (NPT) به سلاح دست یابد دیگر هیچ دولت اروپایی مانند اسپانیا از ایران حمایت نخواهد کرد. دولت‌های جنوب جهانی نیز چاره‌ای جز محکومیت ایران نخواهند داشت. ضمن این که تضمینی وجود ندارد که در آن شرایط روسیه و چین از ایران حمایت کرده و مانع صدور قطعنامه بر ضد ایران شوند.

همچنین گرچه پیمان منع اشاعه قصد و توانایی خلع سلاح هسته‌ای را نداشت، اما یک هنجاری را میان قدرت‌های هسته‌ای بنا گذاشت و آن این است که قدرت‌های هسته‌ای در برابر دولت‌های غیرهسته‌ای از از سلاح هسته‌ای استفاده نخواهند کرد. بنابراین دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جدا از این که در وهله نخست خروج و یا نقض پیمان منع اشاعه است، بلکه یک مانع عرفی و حقوقی حمله هسته‌ای به ایران از میان برمی‌دارد. علاوه بر این‌ها،

⁴ Second Strike Capability

با توجه به خلاهای امنیتی و نفوذ در داخل، ممکن است قبل از رسیدن به قابلیت سلاح هسته‌ای، فشارهای متعاقب آن بر کشور وارد شود.

اگر همه این موارد را نیز کنار بگذاریم، ایران هسته‌ای قطعا در ساحت نظامی قدرتمندتر خواهد بود اما در آن سناریو امنیت ملی ایران لزوماً بیمه خواهد شد؟ از آن جا که سرنوشت کره شمالی برابر دیدگان ما قرار دارد، سلاح هسته‌ای موجب فشار سیاسی و اقتصادی شدید بر این دولت شده است. ساختار سیاسی این دولت به شکلی بوده که نظم و انسجام داخلی - حداقل برای ما که از خارج ناظریم - برقرار و استوار بوده است. ایران چقدر برای همچنین سناریویی آمادگی دارد؟ آیا ساختار سیاسی و ویژگی‌های ژئوپولیتیک ایران، ظرفیت این فشار و آن نوع حکمرانی را دارد؟

باید به خاطر سپرد که دولت قدرتمند اتحاد جماهیر شوروی علی‌رغم داشتن هزاران سلاح هسته‌ای و قدرت نظامی متوازن با ایالات متحده، دچار فروپاشی شد. حتی اگر قابلیت هسته‌ای ایران را از نظر نظامی بیمه کند، چه تضمینی وجود دارد که فشار اقتصادی به تهدید و چالشی بزرگ‌تر بدل نشود؟

در نهایت نتیجه این نوشته لزوماً مخالفت با قابلیت سلاح هسته‌ای نیست. بلکه این یادداشت تلاش می‌کند در باب مساله بازدارندگی و امنیت حاصل از قابلیت هسته‌ای به بحث عمیق‌تری بپردازد و آن این است که دستیابی به قابلیت هسته‌ای لزوماً به دستیابی به بازدارندگی هسته‌ای و تقویت امنیت ملی نمی‌انجامد. سلاح هسته‌ای یک مقصد و یک چوب جادو نیست که دفعتاً باعث افزایش چشمگیر بازدارندگی نظامی کشور شود؛ بلکه وسیله و ابزاری است تا در نهایت موجب تقویت منافع و امنیت ملی گردد. نباید فراموش شود که هدف غایی تقویت امنیت است و نه ساخت و دستیابی به سلاح. حقیقت آن است که رسیدن به سلاح هسته‌ای کار پیچیده‌ای نیست و با فناوری ۸۰ سال پیش قابل دستیابی بوده است. لب مطلب این مقاله این است: اگر چه بازدارندگی هسته‌ای موجب افزایش توان دفاعی و امنیت کشور خواهد شد، اما حرکت به سمت ساخت سلاح در این برهه - از آن جا که منتج به فراهم ساختن اجزای بازدارندگی هسته‌ای نخواهد شد - نه تنها موجب تقویت امنیت نمی‌شود بلکه فصل تازه‌ای از فشارها را خواهد گشود. طبیعتاً علت این که سیاستمداران ایرانی علی‌رغم وجود تهدیدات و تنهایی استراتژیک، سلاح هسته‌ای را هنوز انتخاب نکرده‌اند، توجه به همین ملاحظات بوده است.